


A Comparative Study of the Approach of Wahhabism and the People of Hadith in Takfir with the Focus on “Nawaqiz al-Islam”

Reza Haji Shamsayi¹ \ Ali Haji Shamsayi² \ Mohsen Afzalabadi³

1. Fourth level student, comparative theology, Khorasan Hawzah, Mashhad, Iran (the responsible).
rezashamsayi3213@gmail.com
2. third level student, Islamic theosophy, Khorasan Hawzah, Mashhad, Iran.
ali.shmsa13yi79@gmail.com
3. phd of Vahhabian studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.
afzal1442@gmail.com

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article  Received: 2025.02.09 Accepted: 2025.05.10	<p>One of the problem in the Islamic Ummah caused by Wahhabism today is the issue of takfir. The article has been intended to be a comparative study of the approach of the People of Hadith and Wahhabism in the Nawaqiz al-Islam. Wahhabis consider the realization of <i>nawaqiz</i> in four areas: speech, action, belief, and doubt, and due to the development of the concept of worship, the limitation of ignorance as an excuse, and the lack of a necessary condition for the realization of <i>naqiz</i>, they have added new cases to the <i>nawaqiz</i> of Islam. This approach ignores the status of the person in the realization of disbelief. The research method of this article is descriptive analysis and the findings of the research show that the People of Hadith, unlike Wahhabism, consider intention as the axis in actions, especially worship, and in <i>nawaqiz</i>, they have avoided maximum takfir due to their emphasis on cases with text and consensus. For this reason, the Companions of Hadith did not develop examples of takfir and in cases of disagreement, they clearly show that there is no <i>ramy bi shirk</i> and <i>kufr</i> on their part. This article emphasizes that Wahhabism, in addition to developing examples, also does not agree with the basic rules of the Ahl al-Hadith in terms of criteria and concepts.</p>
Keywords	Nawaqiz al-Islam, Wahhabism, Development of Takfir, Conditions of Takfir, Worship, Supplication, Blessing, Sacrifice and Vows.
Cite this article:	Haji Shamsayi, Reza, Ali Haji Shamsayi & Mohsen Afzalabadi (2025). A Comparative Study of the Approach of Wahhabism and the People of Hadith in Takfir with the Focus on “Nawaqiz al-Islam”. <i>Andishe-E-Novin-E-Dini</i> . 21 (1). 131-150. DOI: 10.22034/21.80.7
DOI:	https://doi.org/10.22034/21.80.7
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

دراسة مقارنة لمنهج الوهابية وأصحاب الحديث في التكفير، مع التركيز على «نواقض الإسلام»

رضا حاجي شمساوي^١ / علي حاجي شمساوي^٢ / محسن افضل آبادي^٣

١. طالب في المستوى الرابع في قسم علم الكلام المقارن، حوزة خراسان العلمية، مشهد، إيران (الكاتب المسؤول).

rezashamsayi3213@gmail.com

٢. المستوى الثالث في قسم علم الكلام الإسلامي فرع الدراسات السلفية، مشهد، إيران.

ali.shmsa13yi79@gmail.com

٣. دكتوراه في الدراسات الوهابية، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران.

afzal1442@gmail.com

ملخص البحث	معلومات المادة
من المشاكل التي تعاني منها الأمة الإسلامية في العصر الحاضر، والتي ظهرت على يد الوهابية، هي مسألة التكفير. تتناول هذه المقالة دراسة مقارنة لمنهج أهل الحديث والوهابية في نواقض الإسلام. يرى الوهابيون أن نواقض الإسلام تتحقق في أربعة مجالات: القول، والفعل، والعقيدة، والشك. وبسبب توسعهم في مفهوم العبادة، وتقييدهم للعذر بالجهل، وعدم اشتراط القيد الضروري لتحقيق الناقض، فقد أضافوا حالات جديدة إلى نواقض الإسلام. هذا النهج يتجاهل حالة الشخص وظروفه في تحقيق الكفر. تعتمد هذه المقالة على المنهج التحليلي - الوصفي. وتظهر نتائج البحث أن أهل الحديث، على عكس الوهابية، يعتبرون النية محوراً في الأعمال، وخاصة العبادات، وفي نواقض الإسلام يتجنبون التكفير الموسع بسبب تأكيدهم على الحالات التي ورد فيها نص أو إجماع. ولهذا السبب، لم يقع أصحاب الحديث في توسيع المصاديق في التكفير، وفي الحالات الخلافية يظهرون بوضوح أنهم لا يرمون بالشرك والكفر. تؤكد هذه المقالة أن الوهابية، بالإضافة إلى التوسع في المصداق، لا تتفق مع أسس قواعد أهل الحديث في الضوابط والمفاهيم أيضاً.	نوع المقال: بحث تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٨/١٠ تاريخ القبول: ١٤٤٦/١١/١٢
نواقض الإسلام، الوهابية، توسع التكفير، شروط التكفير، العبادة، الاستغاثة، التبرك.	الألفاظ المفتاحية
حاجي شمساوي، رضا، علي حاجي شمساوي و محسن افضل آبادي (١٤٤٦). دراسة مقارنة لمنهج الوهابية وأصحاب الحديث في التكفير، مع التركيز على «نواقض الإسلام». مجلة الفكر الديني الجديد. ٢١ (١). ١٥٠ - ١٣١.	الاقتباس:
DOI: 10.22034/21.80.7 https://doi.org/10.22034/21.80.7	رمز DOI:
جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.	الناشر:



بررسی تطبیقی رویکرد وهابیت و اصحاب حدیث در تکفیر با محوریت «نواقض الاسلام»

رضا حاجی شمسایی^۱ / علی حاجی شمسایی^۲ / محسن افضل آبادی^۳

۱. دانشجوی سطح چهار گرایش کلام مقارن حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

rezashamsayi3213@gmail.com

۲. سطح سه حوزه علمیه خراسان، رشته کلام اسلامی سلفی پژوهی، مشهد، ایران.

ali.shmsa13yi79@gmail.com

۳. دکترای وهابیت پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

afzal1442@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۱۵۰ - ۱۳۱)</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰</p> <p>واژگان کلیدی</p>	<p>یکی از گرفتاری های امت اسلامی که امروزه از سوی وهابیت گریبان گیر مسلمانان شده، مسئله تکفیر است. مسئله تحقیق مقاله بررسی تطبیقی روش اهل حدیث و وهابیت در نواقض الاسلام است. وهابیان تحقق نواقض را در چهار حوزه قول، فعل، عقیده و شک می دانند و به دلیل توسعه مفهوم عبادت، محدودیت جهل در عذر بودن، و عدم لزوم قید ضروری برای تحقق ناقض، موارد جدیدی را به نواقض اسلام اضافه کرده اند. این رویکرد، وضعیت شخص را در تحقق کفر نادیده می گیرد. روش تحقیق این مقاله تحلیلی توصیفی است و یافته های تحقیق نشان می دهد که اهل حدیث، برخلاف وهابیت، نیت را به عنوان محور در اعمال، به ویژه عبادت، در نظر می گیرند و در نواقض به دلیل تأکید بر موارد دارای نص و اجماع، از تکفیر حداکثری پرهیز کرده اند. به همین دلیل، اصحاب حدیث دچار توسعه مصادیق در تکفیر نشده و در موارد اختلافی، به وضوح نشان می دهند که رمی به شرک و کفر از سوی آنان وجود ندارد. این مقاله تأکید می کند که وهابیت علاوه بر توسعه در مصداق، در ضوابط و مفاهیم نیز با اساس قواعد اهل حدیث توافقی ندارد.</p> <p>نواقض الاسلام، وهابیت، توسعه تکفیر، شروط تکفیر، عبادت، استغاثه، تبرک، ذبح و نذر.</p>
<p>استناد:</p> <p>کد DOI:</p> <p>ناشر:</p>	<p>حاجی شمسایی، رضا، علی حاجی شمسایی و محسن افضل آبادی (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی رویکرد وهابیت و اصحاب حدیث در تکفیر با محوریت «نواقض الاسلام». اندیشه نوین دینی. ۲۱ (۱). ۱۵۰ - ۱۳۱. DOI: 10.22034/21.80.7 https://doi.org/10.22034/21.80.7 دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.</p>

مقدمه

مسئله تکفیر یکی از موضوعات مهم و حساس در دین اسلام است که دانشمندان اسلامی به‌طور ویژه به آن پرداخته‌اند و عموماً از تکفیر مسلمانان جلوگیری کرده‌اند. اما در این میان، وهابیان، با ادعای پیروی از اصحاب حدیث، به تکفیر مسلمانان روی آورده و با استفاده از اصطلاحاتی چون «نواقض الاسلام» بسیاری از مسلمانان را از دایره اسلام خارج کرده‌اند.

وهابیان کوشیده‌اند برخی رفتارها، گفتارها و باورهای امروزی مسلمانان مانند استغاثه و طلب از اولیا، صدقه دادن و قربانی دادن از طرف آنها، و هرگونه استمداد از اموات را در تضاد با اصول اسلامی و نقض‌کننده اسلام به حساب آورند. آنان بر این باورند که مسلمان با انجام یکی از این نواقض، از دایره اسلام خارج و دچار کفر اکبر می‌شود. آنها به هدف مشروعیت‌بخشی به نظریات شاذ خود نگرششان را منطبق بر شیوه سلف صالح و اهل حدیث می‌دانند. به همین دلیل، شناخت روش و منهج اصحاب حدیث در مسئله تکفیر به همراه تطبیق با منهج وهابیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بدین ترتیب، هدف اصلی ما پاسخ به این سؤال است: روش و منهج وهابیان در تکفیر چه تفاوت‌هایی با اهل حدیث دارد؟ این نوشتار به بررسی تطبیقی منهج اهل حدیث و وهابیت در تکفیر مسلمانان می‌پردازد و پیامدهای نپرداختن به این مسئله یکسان‌انگاری منهج و رویکرد اهل حدیث و وهابیت در تکفیر مسلمانان است.

از پیشینه‌های این تحقیق می‌توان به مقاله «بررسی عوامل توسعه نواقض الاسلام در تفکر مفتیان وهابی با تأکید بر هیئت افتای عربستان» نوشته حسین قاضی‌زاده (سلفی پژوهی، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ش ۳) و مقاله «واکاوی خاستگاه نواقض الاسلام در اندیشه سلفیه و نقد موارد آن با تأکید بر توسل» به قلم رسول چگینی (پژوهش‌نامه کلام، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ش ۹) اشاره کرد که هریک به بررسی اصل نواقض الاسلام از منظر وهابیت پرداخته‌اند. با این حال، این مقاله به بررسی تطبیقی منهج تکفیر میان اصحاب حدیث و وهابیت با تبیین نواقض الاسلام می‌پردازد.

تبیین مفاهیم محوری

در ابتدا لازم است برخی اصطلاحات اساسی بیان شود، سپس دو دیدگاه وهابیت و اهل حدیث در نواقض اسلام بررسی خواهد شد.

۱. اهل حدیث

اصطلاح «اهل حدیث» برای گروه‌های مختلفی استفاده شده است. به‌طور کلی، اصطلاح اصحاب حدیث

را می‌توان درباره دو گروه به کار برد:

۱. نخستین کاربرد اصطلاح «اصحاب حدیث» به زمان عمر بن عبدالعزیز بازمی‌گردد. در این دوره، پس از آزادی تدوین حدیث، گروهی از افراد به فعالیت در زمینه احادیث و تدوین آن پرداختند و به تدریج به عنوان «اصحاب حدیث» شناخته شدند (شهرستانی، ۱۹۹۵ م: ۱ / ۲۰۶؛ سمعانی، ۱۴۱۷ ق: ۴۴). از این گروه با واژه محدثان نیز یاد می‌شود؛

۲. اصحاب حدیث به افرادی اطلاق می‌شود که تنها به ظواهر احادیث اکتفا می‌کنند؛ درحالی‌که درمقابل، اهل رأی به قیاس، استحسان و تأویل روی می‌آورند (کبیر علل، ۱۴۲۶ ق: ۱۴۰)؛ یعنی آن دسته از علمای اهل سنت که در مباحث دینی تنها به کتاب و سنت استناد دارند و توجهی به عقل در استنباط شریعت ندارند و اهتمام ویژه‌ای به ظواهر دینی دارند (سمعانی، ۱۴۱۷ ق: ۴؛ فرمانیان، ۱۳۹۸: ۱۵۱). اهل حدیث در اصول اعتقادی و در فروع عملی بر نصوص کتاب و سنت تعبد ظاهری داشتند و در ابتدا به آنان «اهل اثر» گفته می‌شد (ترکی، ۱۴۱۷ ق: ۹۵). این گروه به احادیث دیدگاه افراطی داشتند. آنان هم در نقل احادیث و هم در اخذ به احادیث بسیار متساهل بودند و در استناد به مدلول احادیث از روش ظاهرگرایی افراطی استفاده می‌کردند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲: ۲۳۹). آنان به مباحث کلامی نگاه مثبتی نداشتند و در حد ضرورت به آن می‌پرداختند (سبحانی، بی‌تا: ۲ / ۳۲). این گروه معمولاً در فقه حنبلی مذهب‌اند و توجه زیادی به منهج احمد حنبل در استفاده از احادیث دارند.

مقصود از اهل حدیث در این پژوهش همین گروه دوم است که در اصول اعتقادی، فروع و احکام عملی بر نصوص کتاب و سنت تعبد، و اهتمام خاصی به ظواهر دینی دارند؛ تا جایی که از به‌کارگیری عقل و تأویل در آنها می‌پرهیزند.

۲. وهابیت

وهابیت نام جریانی درون اسلام است که در قرن دوازدهم محمد بن عبدالوهاب ایجاد کرد. پیروان محمد بن عبدالوهاب با برداشت متفاوت از توحید و شرک، اسلام و کفر و سنت و بدعت و... دست به تکفیر مسلمانان زده‌اند. محمد بن عبدالوهاب مسلمانان حتی اهل سنت حنبلی‌مذهبی را که با عقیده وی موافق نبودند در حجاز تکفیر کرد و با آنها جنگید (عبدالملکی، ۱۳۹۹: ۱۴). وهابی‌ان در فقه پیرو مذهب حنبلی‌اند (مشکور، بی‌تا: ۴۶۰)؛ اما در عقاید مدعی‌اند که مانند اهل حدیث پیرو کتاب و سنت و اقوال سلف‌اند. آنها فهم خود از دین را به برخی از آیات قرآن و روایات مستند کرده و مدعی‌اند هر که مخالف دیدگاه آنان عمل کند با کتاب و سنت مخالفت کرده است. از این‌رو، تنها خود را موحد می‌دانند و دیگر مسلمانان را در عبادت مشرک و اهل بدعت می‌انگارند (امین، ۱۳۸۶: ۱۲ - ۷).

۳. کفر و تکفیر

کفر در لغت دارای دو معنای اصلی است: یکی جحد و انکار و دیگری ستر و پوشاندن (فیومی، ۱۴۱۴ ق: ۲ / ۵۳۵؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ ق: ۵ / ۱۴۴). برخی «پوشاندن» را معنای حقیقی و «انکار» را معنای مجازی آن می‌دانند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۵ / ۱۹۱). راغب اصفهانی می‌گوید: «کفر در لغت به معنای پوشاندن است و کشاورز را به سبب اینکه دانه را در زیر خاک پنهان می‌کند کافر می‌گویند» (راغب اصفهانی، ۲۰۰۸ م: ۱ / ۲۵۹). البته ابن‌منظور و خلیل فراهیدی «پوشاندن» را معنای «کفر» دانسته‌اند، اما کُفر را به معنای پوشاندن نمی‌دانند (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ۵ / ۳۵۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۸ ق: ۵ / ۱۴۴). بنابراین، می‌توان در نظر لغویان کفر را به دو معنای «انکار» و «پوشاندن» دانست.

واژه «تکفیر» نیز مصدر باب تفعیل از ماده «کفر» است که در لغت به معنای «نسبت دادن کفر به دیگری» است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق: ۵ / ۱۴۶). در اصطلاح، تعاریف متعددی برای آن ذکر شده است. در گذشته «تکفیر» در تعریف متکلمان به «تکفیر و احباط»، یعنی نابودی آثار گناهان در قبال انجام برخی اعمال نیک، تعریف می‌شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۵ ق: ۸۰). از آنجاکه حکم دادن به کفر کار فقیه است، با توجه به معنای لغوی تکفیر، غالباً فقها نسبت دادن کفر به شخص مسلمان را تعریف تکفیر می‌دانند (مروج، ۱۳۷۹: ۱۴۱). البته آنان گاهی از پرداخت کفاره نیز با اصطلاح تکفیر یاد کرده‌اند (همان). در این پژوهش، مقصود از تکفیر نسبت دادن کفر به مسلمان است.

۴. نواقض الاسلام

اصطلاح دیگری که در فهم مطالب نقش ویژه‌ای دارد نواقض الاسلام است. «نواقض» جمع «ناقض» است که از ماده «نقض» به معنای فاسد شدن و از بین رفتن چیزی گرفته شده است (ازهری، ۱۴۲۱ ق: ۸ / ۲۶۹؛ ابن‌منظور، بی‌تا: ۷ / ۲۴۲). مراد از «اسلام» دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که ایشان خاتم پیامبران‌اند.

اصطلاح نواقض الاسلام بیشتر در متون وهابیت استفاده می‌شود. آنان عمل، قول یا عقیده‌ای را که سبب نقض اسلام و فاسد شدن آن است نواقض الاسلام می‌نامند و چنانچه شخصی موردی از آن را مرتکب شود، از دایره اسلام خارج خواهد شد و در اصطلاح «مرتد» می‌شود (ابن‌باز، ۱۴۳۲ ق: ۱۶ و ۱۸؛ ابن‌باز، بی‌تا الف: ۴ / ۲۵؛ غامدی، ۱۴۳۶ ق: ۱۳۵ - ۱۳۳؛ ابن‌عثیمین، ۱۴۳۴ ق: ۱ / ۳۳۹ و ۳۴۱). در نوشته‌های وهابیان معاصر، این بیانات با توضیحات مفصل‌تر و گستره بیشتری درباره نواقض الاسلام مشاهده می‌شود (غامدی، ۱۴۳۶ ق: ۱۳۵ - ۱۳۳).

البته شایان ذکر است که تمام مذاهب اسلامی معتقدند ارتکاب برخی امور، مانند انکار رسالت،

سبب می‌شود شخص مسلمان کافر شود؛ اما با تعبیر نواقض الاسلام از آن یاد نمی‌شود. محمد بن عبدالوهاب اولین فردی است که اصطلاح نواقض الاسلام را استعمال کرد؛ هرچند در عبارات ابن تیمیه می‌توان اشاره‌هایی را یافت (ابن تیمیه، بی‌تا: ۴۵۹).

بررسی معیار شکل‌گیری اسلام و کفر نزد وهابیت و اهل حدیث

چگونگی و معیار تحقق اسلام و کفر از مباحث مهم و اساسی است که باید به آن پرداخته شود. در این بخش، ملاک تحقق اسلام و کفر بیان می‌شود.

۱. معیار شکل‌گیری اسلام

با نگاهی به آثار مختلف از بزرگان وهابیت، ممکن است در ابتدا گمان رود که ایشان نیز مانند سایر مسلمانان قائلان شهادتین را مسلمان می‌شناسند (ابن جبرین، بی‌تا الف: ۱ / ۶)؛ اما با اندکی دقت مشخص می‌شود وهابیان معیار تحقق اسلام را در گرو تحقق دو جزء یعنی شهادتین و انجام فرائض می‌دانند و معتقدند هرچند با صرف شهادت به خداوند و رسول خدا، شخص وارد اسلام می‌شود، در اسلام ظاهری شهادتین کافی نیست و برای بقای آن وجود عمل به واجبات اساسی لازم است. برای نمونه، صالح بن فوزان معیار تحقق اسلام را ارکان خمس شهادتین، اقامه نماز، پرداخت زکات، روزه گرفتن و حج در صورت استطاعت معرفی می‌کند و مازاد آن را مکملات اسلام می‌داند و بیان می‌کند که در صورت مشاهده یکی از این موارد، باید حکم به اسلام فرد کرد (فوزان، ۱۴۲۷ ق الف: ۲۳۲).

با توجه به عبارات وهابیت، اگرچه فرد شهادتین را به زبان آورده باشد، حافظ جان و مال او نخواهد بود؛ چراکه شهادتینی صحیح خواهد بود که فرد به تفسیر وهابیت از «لا إله إلا الله» علم یابد و نیز آن را تصدیق و بدان عمل کند (ابن باز، ۱۴۲۳ ق: ۲۹ - ۲۲؛ ابن باز، ۱۴۱۲ ق: ۱ / ۵۷؛ آل نعمان، ۱۴۳۲ ق: ۷ / ۲۰۵؛ آل نعمان، ۲۰۱۵ م: ۸ / ۲۰۸). لذا در غیر این صورت، فرد اصلاً اسلامش محقق نشده است تا از نواقض الاسلام وی بحث شود و باید از ابتدا شهادتین را اعاده کند (غامدی، ۱۴۳۶ ق: ۶۷؛ ابن باز، ۱۴۱۲ ق: ۱ / ۳۷ - ۳۶). به همین سبب نزد وهابیت، تحقق اسلام در سه مسئله خلاصه می‌شود: مقام اثبات (بیان شهادتین)، مقام نفی (برائت از ما عدا شهادتین و شرکیات) و مقام عمل؛ یعنی با کسی که به زبان شهادتین را (با توجه به تعاریف و مصداق بارشده خاص آن و رعایت چهارچوب توحیدی آنان) بیان و نفی شرک کند و جنسی از اعمال ظاهری را انجام دهد معامله مسلمان می‌شود (ابن جبرین، بی‌تا الف: ۵۰).

این سخن وهابیت درباره ورود به اسلام مربوط به اقرار شهادتین از سوی کسی است که قبلاً کافر بوده است و قصد ورود به اسلام را دارد (آل نعمان، ۱۴۳۲ ق: ۲ / ۲۴۳)؛ اما افرادی که در مجامع اسلامی

زندگی می‌کند از نظر وهابیت، به دلیل وجود اعمالی مانند استغاثه و نذر، کافر و منتسب به اسلام‌اند، اما شهادتین آنها به دلیل صدور ناقض فایده‌ای ندارد (اثری، ۱۴۲۴ ق: ۲۴۵).

اما اصحاب حدیث، برخلاف وهابیت، معتقدند که وجود عمل برای حکم به بقای اسلام شخص لزومی ندارد و تکفیر افراد به سبب ترک واجبات را عمل خوارج می‌دانند و حتی با معتزله به دلیل عقیده به خروج شخص از ایمان به دلیل ترک عمل مخالفت کرده‌اند (شعرانی، ۱۴۱۹ ق: ۲ / ۱۲۶). به همین دلیل، با اعتراف و اقرار زبانی، شخص مسلمان دانسته، و حکم اسلام بر او بار می‌شود (بخاری، ۱۴۲۲ ق: ۲ / ۱۰۵). آنان اسلام را مرادف با اقرار به شهادتین، و تلفظ به «لا اله الا الله» را در اسلام شخص کافی می‌دانند (شافعی، ۱۴۲۷ ق: ۶ / ۱۵۷؛ ابن‌ابی‌یعلی، ۱۴۲۳ ق: ۱ / ۲۴).

طبری در تفسیر آیه «قالت الأعراب آمنا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا أسلمنا» (حجرات / ۱۴) اقوالی را از بزرگان اهل حدیث نقل می‌کند و در پایان می‌نویسد:

عالمان تفسیر در سبب و علتی که رسول خدا به اعراب فرمودند که بگویند «اسلمنا»، نه «آما» اختلاف کرده‌اند؛ اما قول صحیح این است که اعراب با زبان و اقرار زبانی اسلام آورده‌اند و اعمال فرد مسلمان را انجام نداده‌اند. بنابراین، مسلمان‌اند، ولی مؤمن نیستند؛ زیرا «الإسلام قول، والإيمان قول وعمل» (طبری، ۱۴۲۰ ق: ۳۱۳).

بغوی نیز در توضیح تفاوت میان اسلام و ایمان بر این باور است که ایمان تصدیق قلبی است و اسلام خضوع و انقیاد ظاهری است. بنابراین، چنانچه اسلام ظاهری را بیاورند، مسلمان‌اند، ولی مؤمن نیستند. بر همین اساس است که هر مؤمنی مسلمان است، ولی هر مسلمانی مؤمن نیست (بغوی، ۱۴۲۰ ق: ۱ / ۸۲).

۲. معیار شکل‌گیری کفر

وهابیت کفر را به دو دسته تقسیم می‌کند: کفر اکبر، که منهدم‌کننده اصل اسلام است، و کفر اصغر، که متناقض با کمال ایمان است. از آنجا که کفر خارج‌کننده از اسلام موضوع بحث ماست، ما نیز به بیان کفر اکبر می‌پردازیم.

وهابیت کفر اکبر را به عناوینی همچون «ضد الایمان» و «عدم الایمان» معرفی می‌کند (فوزان، ۱۴۲۳ ق: ۱۹) و آن را متناقض با ایمان و اسلام می‌داند (اثری، ۱۴۲۴ ق: ۲۴۳ و ۲۴۶). تحقق کفر در نظر مشهور وهابیت به تکذیب، استکبار، ظن، اعراض یا نفاقی است که به نحو فعل، قول، عقیده یا شک بروز می‌کند (همان). این کفر می‌تواند به شرک اکبر، یعنی انجام هریک از اجزای عبادت برای غیر خدا

(فوزان، ۱۴۲۴ ق: ۱ / ۱۵) یا انکار امری از دین که ضرورت آن معلوم شده است، ختم شود (آل نعمان، ۱۴۳۱ ق: ۴ / ۲۴۶؛ ابن باز، ۱۴۲۱ ق: ۲۸ / ۳۶۷؛ ابن جبرین، بی تا الف: ۲ / ۱۴؛ ابن باز، بی تا الف: ۲۷ / ۳۸۲؛ ابن عثیمین، ۱۴۲۱ ق: ۵۹). البته برخی عالمان متأخر وهابی «ترک واجبات دین» را نیز در تعاریف خود وارد کرده‌اند (اثری، ۱۴۲۴ ق: ۲۴۳ و ۲۴۶).

بنابراین، از منظر وهابیت، کافی است برخی رفتارهایی که با اسلام در تضاد است رخ دهد تا فرد کافر شود و لازم نیست سبب انکار شهادتین شود (ابن باز، بی تا الف: ۶ / ۵۵). ابن باز در این باره می‌نویسد: «هرکس ناقضی از نواقض اسلام را انجام دهد کافر می‌شود و شهادت به لا اله الا الله او هیچ فایده ندارد» (همان).

اما در اهل حدیث این گونه نیست. هرچند تعریف اصحاب حدیث از ایمان و اسلام با تعریف مشهور مسلمانان دارای اندکی تفاوت است (مرادی مکی، ۱۳۹۹: ۷۶ - ۶۳)، آنها بر این باورند که در تحقق کفر نباید فراتر از نص پیش رفت و باید بر مواردی که متون دینی کفر دانسته است اکتفا کرد (ابن ابی‌یعلی، بی تا: ۱ / ۲۸ - ۲۶). آنان همچنین معتقدند هیچ‌گاه اهل قبله را به سبب عملی تکفیر نخواهیم کرد (غامدی، ۱۴۳۷ ق: ۱۷۹). ابن جوزی حنبلی هم گفته احادیثی به ما رسیده است که هم‌کیشان خود را حتی به سبب گناهان بزرگ نمی‌توان تکفیر کرد (ابن جوزی، ۱۴۱۵ ق: ۱ / ۴۷۳). از احمد حنبل نقل کرده‌اند که اگر کسی منکر و جاحد فرائض الهی شود، تکفیر می‌شود، اما اگر واجبات را ولو از روی تکاسل کنار بگذارد، تکفیر نمی‌شود، بلکه حکم وی نزد خداوند است که ببخشد یا مشمول عذاب خود قرار دهد (ابوزهره، ۱۴۱۸ ق: ۱۲۶ - ۱۲۵). ابن قدامه حنبلی معتقد است ارتداد و کفر با انکار شهادتین صورت خواهد گرفت. وی برخی اعمال را که سبب انکار شهادتین می‌شود برمی‌شمارد، اعمالی مانند دشنام به خدا و پیامبر، انکار قرآن، انکار واجبات دینی که واضح و آشکارند و حلال کردن حرام‌های واضح مانند شراب، گوشت خوک، خون و زنا (ابن قدامه، ۱۴۱۴ ق: ۴ / ۷۲). همچنین، ابن بطه بغدادی، از عالمان حنبلی، کفر را بر محور انکار و حجد دین معرفی کرده است (ابن بطه، ۱۴۱۵ ق: ۶ / ۳۰۱).

بنابراین، تفاوت اهل حدیث با وهابیت در این مسئله به معنای کفر برمی‌گردد: اهل حدیث کفر را بر محور انکار می‌شمارند و اعمالی را که موجب انکار شهادتین شود کفر می‌دانند؛ اما وهابیت به مسئله حجد و انکار توجه ندارند و یکی از مواردی را که سبب خروج از اسلام شود صرف نقض شهادتین می‌دانند.

بررسی گستره نواقض الاسلام از منظر وهابیت و اهل حدیث

موضوع ارتداد و بازگشت از اسلام موضوعی پذیرفته‌شده در جمیع فرق اسلامی است، اما در بین عالمان

وهابی به شکل وسیعی به آن پرداخته شده است. آنان، علاوه بر انکار ضروری دین، از اصطلاح نواقض الاسلام نیز بهره برده‌اند و این سبب شده دایره نواقض اسلام گسترش یابد و شمول بسیاری از مسلمانان در این محدوده از ثمرات آن است (قاضی زاده، ۱۳۹۸: ۱۲).

از آنجاکه عامل توسعه نواقض اسلام زیاد شدن اسباب کفر توسط وهابیت است و هرچه سبب کفر وسیع‌تر شود، طبیعتاً گستره نواقض نیز افزون خواهد شد، در این قسمت اسباب کفر از منظر وهابیت و اهل حدیث بررسی می‌شود.

۱. اسباب نقض اسلام نزد وهابیت

وهابی‌ان درباره اسباب کفر آثاری را تألیف کرده‌اند که مهم‌ترین آنها رساله هشتم از کتاب **مجموعه رسائل فی التوحید و الایمان** محمد بن عبدالوهاب است. او در این اثر ده ناقض برای اسلام برشمرده و انجام هر یک از آنها را سبب کفر مسلمان دانسته است (ابن عبدالوهاب، بی تا الف: ۲). این نواقض عبارت‌اند از:

۱. شرک به خدا؛
۲. واسطه قرار دادن بین خود و خدا؛
۳. تکفیر نکردن مشرکان؛
۴. بهتر دانستن تعالیم دیگران نسبت به تعالیم پیامبر؛
۵. بغض داشتن به چیزی که رسول خدا آورده است؛
۶. استهزای مسئله‌ای از دین یا یکی از ثواب‌ها و عقاب‌های دین؛
۷. سحر و جادوگری؛
۸. دوستی و همکاری با مشرکان برضد مسلمانان؛
۹. اعتقاد به اختیار انسان برای خروج از دایره اسلام؛
۱۰. اعراض از دین خدا به گونه‌ای که برای آگاهی و عمل به احکام آن تلاشی انجام ندهد (ابن عبدالوهاب، بی تا الف: ۳۸۵).

اما این توسعه در نواقض به همین جا ختم نمی‌شود و برخی نه تنها نواقض را در این ده مورد محصور نمی‌دانند، بلکه مبنایشان بر عدم حصر نواقض است و حتی معتقدند نواقض تابع نظر شخصی هر فقیه است (ابن عثیمین، ۱۴۳۴ ق: ۱ / ۷۲۶). برای نمونه، ابن باز می‌گوید:

نواقض الاسلام بسیار است و هیچ حصری ندارد، چراکه گاهی زید نواقض را به مسائلی

محدود می‌کند که دیگری در آن تعداد منحصر نمی‌داند و این برحسب آراء، اجتهاد و استنباط علما مختلف است: یکی چهارصد ناقض اعتبار می‌کند و دیگری پانصد ناقض؛ زیرا او از ادله دیگر این نواقض را استنباط کرده است. این تابع ادله شرعی است. نواقض اسلام خاضع و تابع ادله شرعی‌اند (ابن‌باز، ۱۴۱۲ ق: ۴ / ۱۰۷).

وهابیت کفر را به اکبر و اصغر تقسیم می‌کند و کفر اکبر را ناقض اسلام برمی‌شمارد. از منظر ایشان، ارتداد به واسطه اسبابی حاصل می‌شود که مفتیان وهابی از آن به عنوان نواقض الاسلام تعبیر می‌کنند (شنقیطی، بی‌تا: ۲ / ۳۹۵) و در چهار محور قول، اعتقاد، فعل و شک قابل ظهورند (ابن‌مفلح، ۱۴۱۸ ق: ۷ / ۴۷۸). وهابیت تلفظ به الفاظ یا اعتقاد به آنها یا عمل یا شکی را به صورت مطلق محل کفر می‌داند که منجر به ختم به هریک از عناوین کفر شود که ذکر شد:

۱. قول: مانند سبّ خدا یا رسول‌الله ﷺ یا سبّ دین (خلیل، بی‌تا: ۶ / ۲۲۵) و درخواست از اولیا و صالحان و استغاثه و مسئلت از آنان در اموری که غیر خدا کسی توانایی آن را ندارد، یا هرگونه سب و استهزای آنها (اثری، ۱۴۲۴ ق: ۲۹۷)؛

۲. اعتقاد: مانند اعتقاد به شریکی برای خداوند در تدبیر عالم (خلیل، بی‌تا: ۶ / ۲۲۵) و اعتقاد به اینکه جمهور صحابه بعد از وفات نبی مرتد یا فاسق شدند (اثری، ۱۴۲۴ ق: ۲۹۶)؛

۳. فعل: مانند سجده بر بت یا اهانت به قرآن کریم (خلیل، بی‌تا: ۶ / ۲۲۵)، سجده، نذر و ذبح برای غیر خدا، طواف ضریح و قبور اولیا به نیت تقرب به آنها، تلبس به چیزی از شعائر کفار مانند صلیب، و عدم اعتقاد به حکم خداوند در تشریع (اثری، ۱۴۲۴ ق: ۳۰۱ - ۳۰۰)؛

۴. شک: مانند شک در خبری که در قرآن کریم آمده یا شک در کفر کسی که اجماع بر کفر او وجود دارد؛ مانند مشرکان بت‌پرست یا شک در کفر یهودی یا مسیحی (خلیل، بی‌تا: ۶ / ۲۲۵) و شک در هریک از ارکان پنج‌گانه اسلام یا ارکان ایمان (اثری، ۱۴۲۴ ق: ۲۹۴).

البته برخی دیگر عناوین دیگری مانند «کفر به دلیل عدم براءت از کفار» را ذکر کرده‌اند؛ یعنی اگر کسی در دل بغضی به کفار نداشته باشد، کافر است. این موضوع حتی در نصوص نامداران وهابیت چون محمد بن عبدالوهاب، ابن‌باز، ابن‌عثیمین، البانی و ابن‌جبرین یافت نمی‌شود، بلکه فقط در آثار برخی از معاصرین وهابیت با اندکی اضافات و تعلیظ بیشتر وجود دارد (شنقیطی، بی‌تا: ۱۵).

۲. اسباب نقض اسلام از منظر اصحاب حدیث

اهل حدیث دیدگاه کاملاً متفاوتی به نواقض اسلام دارند. آنان نه تنها از اصطلاح نواقض الاسلام استفاده نکرده‌اند، بلکه بالعکس از توسعه نواقض جلوگیری کرده‌اند. احمد بن حنبل، به عنوان پیشوای اهل حدیث،

بر این باور است که درباره کفر و آنچه سبب خروج فرد مسلمان از دایره اسلام می‌شود باید بر نصوص و متون دین متوقف بود (ابن‌ابی‌یعلی، بی‌تا: ۱ / ۲۸ - ۲۶). همچنین، از وی نقل شده است که می‌گوید تکفیر مسلمانان به سبب گناهانشان جایز نیست و کسی به سبب عملش از اسلام خارج نمی‌شود (ابن‌ابی‌یعلی، ۱۴۲۳ ق: ۱ / ۲۷). ابن‌حنبل معتقد بوده است که تنها اگر کسی در اصل وجود خدا تردید کند یا واجبات اساسی دین را انکار کند، کافر خواهد شد؛ اما اگر صرفاً واجبات را کنار بگذارد، این سبب کفر نخواهد بود (ابوزهره، ۱۴۱۸ ق: ۱۲۶ - ۱۲۵).

اصحاب حدیث نقض اسلام را تنها با انکار شهادتین پذیرفته‌اند و بر این باورند که فرد مسلمان در صورتی که شهادت به خدای متعال و رسالت پیامبر خاتم‌الصلوات را انکار کند، کافر می‌شود (ابن‌بطه، ۱۴۱۵ ق: ۶ / ۳۰۱؛ ابن‌قدامة، ۱۴۱۴ ق: ۴ / ۷۲). بر بهاری معتقد است شخص تنها در یک صورت کافر می‌شود و آن در جایی است که آیه‌ای را انکار یا حدیثی را رد کند یا نماز و ذبح برای غیر الله انجام دهد (بر بهاری، بی‌تا: ۳۱). خطابی نیز معتقد است که از آنجاکه برای ما ثابت نشده است خطا در تأویل کفر باشد، باید دلیلی بر کفر از نص، اجماع یا قیاس صحیح ارائه شود و تا زمانی که چیزی از این موارد نیافته‌ایم، افراد در حالت اسلام باقی می‌مانند (شعرانی، ۱۴۱۹ ق: ۲ / ۱۲۵).

۳. جایگاه مفهوم عبادت در تکفیر از منظر وهابیت و اهل حدیث

یکی از عوامل مهمی که در تفاوت منهج تکفیر اهل حدیث با وهابیت مؤثر است مسئله توحید و شرک است. محمد بن عبدالوهاب، مؤسس وهابیت، در تبیین نواقض اسلام، ابتدا با شرک در عبادت آغاز می‌کند و آن را اولین ناقض برمی‌شمارد (ابن عبدالوهاب، بی‌تا الف: ۳۸۵). وی، در پاسخ به پرسش درباره انواع عبادت، مصادیق متعددی مانند استغاثه، نذر، ذبح و موارد مشابه را عبادت دانسته و حکم به شرک در الوهیت و کافر بودن کسانی کرده است که از اولیای الهی استغاثه می‌کنند یا نذر و ذبحی دارند (ابن عبدالوهاب، ۱۲۰۶: ۳۷۹).

بنابراین، مسئله «عبادت» از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با تکفیر در مبانی وهابیت است. آنان، با ارائه تعریفی بسیط از عبادت، آن را این‌گونه تبیین کرده‌اند: «نهایت خضوع و تذلل به همراه حب» (ابن عبدالوهاب، بی‌تا الف: ۷؛ آل‌نعمان، ۱۴۳۱ ق: ۲ / ۴۷۶ - ۴۷۳؛ ابن‌عثیمین، ۱۴۲۴ ق الف: ۳۷؛ ابن‌باز، ۱۴۱۸ ق: ۳۰ - ۲۹). برای نمونه، ابن‌عثیمین می‌نویسد:

عبادت با دو رکن محقق می‌شود: رکن اول، نهایت محبت؛ رکن دوم، نهایت خضوع. بنابراین، اگر کسی را دوست داشته باشی، اما در مقابل او خضوع نکنی، عبادت رخ نداده است؛ و اگر

در مقابل کسی خضوع کنی، اما دوستش نداشته باشی، عبادت نکرده‌ای. عبادت زمانی رخ می‌دهد که هم او را دوست داشته باشی و هم در مقابل او خضوع کرده باشی (ابن عثیمین، ۱۴۲۴ ق: ۱۲۰).

از منظر وهابیان، شرک بت‌پرستان عصر نزول اسلام شرک عبادی بوده است. آنان توحید در ذات، توحید در خالقیت و توحید در ربوبیت را قبول داشتند و تنها در توحید در عبادت از طریق واسطه قرار دادن بت‌ها برای شفاعت شرک می‌ورزیدند. محمد بن عبدالوهاب مشرکان دوران انبیا را موحد ربوبی می‌داند و معتقد است تنها مشکل مشرکان که سبب کفر آنها شده پرستش معبودهای غیر از خدای متعال است (ابن عبدالوهاب، ۱۴۱۸ ق: ۱۲).

این باور سبب شده است وهابیان بسیاری از نواقض اسلام را دایرمدار مسئله شرک الوهی و عبادت غیر الله بدانند و با برداشت نادرست از مفهوم عبادت و عدم توجه به نیت، قصد و باور شخص عابد، بسیاری از اعمالی را که ظاهر عبادی دارند به شرک حمل کنند و حکم به خروج مسلمان از دایره اسلام کنند.

اما از سوی اهل حدیث، به مسئله قصد خضوع‌کننده در مفهوم عبادت توجه شده است. پس، هرگونه خضوع و خشوعی را - مانند وهابیت - عبادت محسوب نکرده‌اند (غامدی، ۱۴۳۷ ق: ۱۱۳). آنان معتقدند عبادت نیازمند نیت است، برخلاف تقربات صرف طاعت که در آن نیت لحاظ نشده است (بجیرمی، ۱۴۲۷ ق: ۱ / ۶۰). قرطبی و طبری در تفسیر آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد / ۵) می‌نویسند: «تذلل و خضوع در برابر خدا به علت باور به ربوبیت اوست» (طبری، ۱۴۲۰ ق: ۱ / ۱۵۷؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۱ / ۱۴۵). طبری همچنین در تبیین هدف عبادت می‌نویسد: «هدف عابد از عبادت معبود این است که نفعی به دست آورد یا ضرری را دفع کند» (طبری، ۱۴۲۰ ق: ۱۳ / ۳۱۹).

پس، اصحاب حدیث عبادت را حقیقتی مرکب دانسته‌اند. به‌علاوه، باور وهابیان در موحد دانستن مشرکان عصر انبیا در توحید ربوبی نیز در اهل حدیث وجود ندارد، بلکه بزرگان اصحاب حدیث تصریح بر شرک ربوبی مشرکان کرده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲ ق: ۱۲ / ۱۶۵؛ بغوی، ۱۴۲۰ ق: ۴ / ۱۸۷).

بنابراین، اصحاب حدیث، برخلاف وهابیت، بر جایگاه قصد و نیت اصرار ویژه‌ای دارند و معتقدند که نیت و قصد در عبادت از اهمیت بالایی برخوردار است و بدون آن، خضوع و عبادت به‌طور صحیح محقق نمی‌شود.

۴. جایگاه شروط و قیود نواقض اسلام در تکفیر از منظر وهابیت و اهل حدیث

نواقض الاسلام برای تحقق نیازمند به شروطی نزد تمام مذاهب اسلامی‌اند. شروط اساسی در نواقض الاسلام میان وهابیت و دیگر فرق اهل سنت در چهار محور «علم و نبود جهل»، «عدم تأویل»، «اختیار و

نبود اجبار» و «جدیت و قصد» خلاصه می‌شود، درحالی‌که وهابیان شرط نبودن خوف، شوخی و سکر را برای تحقق ناقض لازم ندانسته‌اند و ترک اعمال مهم دین مانند نماز را، بدون تحقق انکار از سوی شخص، از موارد تکفیر می‌دانند (فوزان، بی‌تا: ۴۸).

اهل حدیث، مانند سایر اهل سنت، در مواجهه با نواقض الاسلام تنها بر موارد منصوص - که در کتاب و سنت ذکر شده است - اکتفا کرده‌اند و چنین توسعه‌ای مانند وهابیت در دایره نواقض الاسلام در آنها به چشم نمی‌خورد. اصحاب حدیث برای ترک عمل - آن هم فقط اعمالی که ترکشان دلیل خروج از اسلام بوده و محدود به نص است - فقط قید «انکار و جحد» را لازم دانسته‌اند. ابن قدامه معتقد است:

ارتداد و کفر با انکار شهادتین، دشنام به خدا و رسولش، انکار کتاب خدا، انکار واجبات دینی، که آشکارند و همگان درباره آنها اجماع دارند، مانند نماز، روزه و خمس، و حلال شمردن حرامی که مشهور و مورد اجماع‌اند، مانند شراب، گوشت خوک، خون و عمل زنا حاصل می‌شود (ابن قدامه، ۱۴۱۴ ق: ۴ / ۷۲).

اهل حدیث ترک عمل را نیز کفر نمی‌دانند، بلکه وجود اقرار و عقیده را در بقای اسلام معرفی کرده‌اند (غامدی، ۱۴۳۷ ق: ۱۰۱).

شروط و قیود اختلافی میان وهابیت و اهل حدیث

۱. جایگاه علم شخص به مکفر و مانع بودن در تکفیر

یکی از موانع اتفاقی در شکل‌گیری تکفیر - که حتی وهابیان اصل آن را قبول می‌کنند - جهل است؛ یعنی زمانی که از فردی عمل نقض‌کننده اسلام و محقق کفر از روی جهل صادر شود، مانع کفر آن شخص می‌شود، لکن بحث بر سر گستره جهل است: در عقیده وهابیت، جهل به نحو گسترده مانع تکفیر محسوب نمی‌شود، بلکه تنها در فروع دین عذر به جهل را می‌پذیرند، نه اصول دین (ابن باز، ۱۴۲۱ ق: ۲۴۱؛ دویش، بی‌تا: ۹ / ۸۲)؛ اصحاب حدیث به پیروی از احمد و استناد به حدیثی از مسند احمد به نقل از «ابوواقد لیشی» درباره حدیث «ذات انواط»،^۱ که پیامبر اسلام ﷺ طلب شرک‌آلود را به دلیل جهل معامله کفر نکرده‌اند، لذا عذر به جهل را به صورت گسترده می‌پذیرند (ابن حنبل، ۱۴۲۱ ق: ۳۶ / ۲۲۵). ابن حزم

۱. ابوواقد لیشی روایت می‌کند با پیامبر اسلام از مکه به سوی حنین رهسپار بودیم. در راه، از کنار درخت سدری که به آن ذات انواط می‌گفتند گذشتیم و مشاهده کردیم که کافران اسلحه‌هایشان را به درختی که نزد آن معتکف بودند آویزان کرده بودند. به حضرت پیامبر ﷺ گفتیم: برای ما ذات انواطی همانند آنان قرار بده. رسول خدا ﷺ فرمودند: الله اکبر! به کسی که جانم در دست اوست، به زبان جاری کردید مثل آن چیزی را که قوم حضرت موسی ﷺ گفتند: «اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ».

نیز بر این باور است که تنها در صورت آگاهی و تمام شدن حجت می‌توان تکفیر کرد و اگر شخص جاهل یا دارای تأویل باشد، معذور است (ابن حزم، ۱۴۰۵ ق: ۳ / ۲۹۳). ابن تیمیه نیز در بحث استغاثه، که یکی از مسائل اعتقادی است، جهل را عذر در تکفیر دانسته است (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ ق: ۴۱۱).

۲. جایگاه لزوم قید «ضروری دین» بودن مکفر

عدم توجه وهابیت به قید ضروری و اجماعی بودن مکفر و خارج نکردن مسائل اجتهادی از حوزه تکفیر از دلایل توسعه تکفیر شده است؛ زیرا از نظر وهابیان، لازم نیست مسئله‌ای ضروری انکار شود، بلکه مسائل فرعی نیز می‌تواند با نقض شدن و کنار گذاشته شدن، به کفر منجر شود؛ همانند عبارت ابن باز که در بخش دایره و محدوده نواقض الاسلام بیان شد (ابن باز، ۱۴۱۲ ق: ۴ / ۱۰۷).

اصحاب حدیث در نواقض الاسلام، با استناد به کلام احمد بن حنبل، اصرار بر موارد منصوص صریح از ناحیه شرع دارند و مهم‌ترین موارد تکفیر را موارد اتفاقی و اجماعی می‌دانند و در مسائل اختلافی به اجتهاد شخصی حکم می‌دهند و در نهایت عمل را بدعت و حرام می‌دانند (ابن ابی‌یعلی، بی‌تا: ۱ / ۲۸ - ۲۶). بر بهاری نیز، از دیگر بزرگان اهل حدیث، تکفیر را منحصر به موارد اتفاقی از جمله انکار احادیث، انکار نماز و انکار قرآن دانسته است و لذا اهل قبله را جز در همین موارد خاص نمی‌توان تکفیر کرد (بر بهاری، بی‌تا: ۳۱).

۳. جایگاه قصد و اعتقاد شخص در تحقق مکفر

وهابیت به نفس فعل شخص توجه دارد و بدون آنکه باور شخص را موضوع و ملاک ناقضیت بداند، با عنوان‌سازی، عناوینی را فارغ از توجه به شخص، ذیل ناقض معرفی می‌کند. لجنه علمی وهابیت در بحث نواقض اسلام می‌گوید:

اسباب کفر فراوان است که نواقض اسلام نامیده می‌شود و بزرگ‌ترین آنها شرک به خداوند است؛ مانند درخواست از اموات و استغاثه به آنان... به دلیل فرمایش رسول خدا زمانی که از ایشان سؤال شد کدام گناه بزرگ‌تر از سایر گناهان است؟ ایشان فرمودند: اینکه برای خداوند شریکی قرار دهی در حالی که او تو را خلق کرده و آفریده است (دویش، بی‌تا: ۲ / ۱۱).

اما سبک و روش اهل حدیث در مواجهه با نواقض چنین نبوده است. آنها، به سبب التزام داشتن به مبنای نص‌گرایی، سراغ نصوص قطعی و اجماعی در تکفیر رفته‌اند و آن موارد را نواقض عنوان می‌کنند. به همین سبب، ابن حزم از بزرگانی مانند ابی‌لیلی، ابوحنیفه، شافعی و سفیان ثوری گزارش کرده است که

با مسلمان بودن شخص تنها به فسق و اجتهاد شخص می‌توان حکم کرد، اما نمی‌توان وی را تکفیر کرد (ابن حزم اندلسی، ۲۰۱۴ م: ۲ / ۲۶۷). پس، مجتهد بودن یا عامی بودن نیز در کنار دیگر وضعیت اشخاص نزد اهل حدیث جایگاه ویژه‌ای دارد.

درنهایت، می‌توان گفت که وهابیت، با تأکید بر شروط و قیود خاص خود در نواقض الاسلام، دایره تکفیر را گسترش و بسیاری از مسلمانان را در این دایره قرار می‌دهد. درمقابل، اهل حدیث، با تأکید بر نصوص دینی و شرایط خاص، سعی در محدود کردن موارد تکفیر دارند و بر اهمیت نیت و علم در تحقق نواقض تأکید می‌کنند.

مصادیق اختلافی در تکفیر میان وهابیت و اهل حدیث

نگاه خاص وهابیت به مبانی توحیدی باعث اختلافات اساسی در مصادیق توحید و شرک و نواقض الاسلام شده است. وهابیت هر نوع عملی را که دال بر تعظیم و تذلل باشد به نحو مطلق عبادت می‌خواند و ارتکاب آن را برای غیر خداوند در کنار شرک عبادی قرار می‌دهند. در این بخش، به ذکر چند مورد از مهم‌ترین این مصادیق می‌پردازیم.

۱. واسطه‌گیری در درخواست از خدا (استغاثه و استعانت از اولیا)

وهابیان هرگونه واسطه قرار دادن بین خلق و خداوند را موجب کفر و شرک می‌دانند و چنین فتوا می‌دهند: «اگر کسی از پیامبر سؤال و درخواست شفاعت کند، اسلام او نقض شده است» (دویش، بی‌تا: ۱ / ۱۹۸). وهابیت سؤال مستقیم از غیر الله را موجب شرک می‌دانند و در صورتی که خدا را به واسطه دعا و مسئلت آنان بخوانند، از وسایل شرک معرفی می‌کنند (همان: ۲۶۶). در این موضوع نیز اختلاف جدی با سلف خود دارند؛ به‌طوری‌که ابن تیمیه نیز طلب حاجت نزد قبر پیامبر ﷺ را شرک نمی‌داند و درباره روایت توسل بلال بن حارث (به قبر رسول الله ﷺ) می‌گوید:

همچنین، داستانی که مردی سراغ قبر رسول خدا ﷺ رفت و در نزد ایشان از خشک‌سالی شکایت کرد... این کار هم قبرپرستی و بت‌پرستی نیست (ابن تیمیه، ۱۴۱۹ ق: ۲ / ۲۵۵ - ۲۵۴).

اما جمهور اهل حدیث طلب شفاعت به انبیا و صالحان، به‌خصوص پیامبر اکرم ﷺ، را پس از حیات جایز می‌شمارند. اهل حدیث از آداب زیارت پیامبر ﷺ طلب شفاعت ایشان را برشمرده‌اند: «وَلْيَتَأَدَّبْ فِي الْوُقُوفِ وَيَسْتَشْفِعْ بِالْحَبِيبِ» (ابن جوزی، ۱۴۰۶ ق: ۲ / ۲۶۳). آنان حتی در نحوه سلام و زیارت گفته‌اند:

«قَدْ أَتَيْتُكَ مُسْتَغْفِرًا مِنْ ذُنُوبِي مُسْتَشْفِعًا بِكَ إِلَيَّ رَبِّي» (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۳ / ۴۷۸). صرصری نیز شعری در این باره نقل کرده که مفاد آن طلب شفاعت از پیامبر ﷺ است (نابلسی، ۲۰۱۷: م: ۲۸۵). همچنین، بیشتر اصحاب حدیث استغاثه را مشروع و مجاز می‌دانند و تنها ابویعلی حکم به خطا و اشتباه بودن استغاثه داده، اما آن را شرک ندانسته است. دیگران از حنبله نیز تصریح کرده‌اند که استغاثه‌های مسلمانان هیچ‌گاه به نحو استقلالی نیست و منافاتی با توحید ندارد (صرصری، ۱۴۲۶ ق: ۴۸۱ - ۴۷۹). لذا استغاثه‌های متعددی از رفتار اهل حدیث گزارش شده است (علیان، ۲۰۱۷: م: ۳۷۹).

۲. طواف، نذر و ذبح برای اهل قبور

وهابیان طواف قبور را موجب شرک می‌دانند (دویش، بی‌تا: ۱ / ۱۰۵ و ۱۳۴). آنان، با توجه به تعریف عبادت و شرک خود، هرگونه عملی مانند ذبح و نذر و مانند این موارد از اعمال دینی را به صورت مطلق عبادت می‌شمارند (فوزان، ۱۴۲۷ ق الف: ۱ / ۳۴۷). این یعنی فرد در صورت نذر یا ذبح نزد قبور، یا ذبح به هر نیتی برای غیر خدا - مثلاً اهدای ثواب به آن شخص - مشرک شده است (همان: ۳۴۸؛ ابن عبدالوهاب، ۱۴۲۰ ق: ۲۶؛ دویش، بی‌تا: ۱ / ۱۹۲ و ۲۰۹).

اما اصحاب حدیث ذبح و نذر نزد قبور را شرک ندانسته‌اند. حکم به شرک و کفر از سوی اهل حدیث از حنبله مشاهده نمی‌شود، بلکه از برخی از آنها تنها حکم به کراهت این موضوع بیان شده است (حجاوی، بی‌تا: ۱ / ۲۳۷). اتفاقاً اصحاب حدیث تصریح کرده‌اند که احمد این نذر را شرعاً صحیح نمی‌دانسته یا ذبح نزد قبر را مکروه یاد می‌کرده است (کرمی حنبلی، ۱۴۲۸ ق: ۲۸۵). حتی حنبله متأخر نیز تصریح کرده‌اند که نذر برای اهل قبر تنها محقق نمی‌شود و صحیح نیست، اما شرک نخواهد بود (رهیانی، بی‌تا: ۶ / ۴۲۴؛ بهوتی، ۱۴۱۸ ق: ۶ / ۴۲۴).

۳. تبرک به آثار صالحان

وهابیان تبرک به آثار صالحان و مسح قبور را نیز از عوامل شرک یاد کرده و معتقدند این موارد از منکرات است و در شرع وجود ندارد (دویش، بی‌تا: ۱ / ۱۰۵ و ۱۳۴). احمد حنبل در پاسخ به سؤال پسرش، عبدالله، در مسح به منبر پیامبر ﷺ حکم به جواز آن داده و معتقد است اگر انسان با نیت تقرب چنین کند، نه تنها شرک نیست، بلکه مشروع نیز هست (ابن حنبل، ۱۴۰۸ ق: ۲ / ۴۹۲). اهل حدیث تبرک و تعظیم قبر را از ناحیه دختر پیامبر ﷺ نیز گزارش کرده‌اند (ابن قدامه مقدسی، ۱۳۸۸: ۲ / ۴۰۷).

عبدالغنی مقدسی حنبلی (م. ۶۴۳ ق) می‌گوید:

در بازویم چیزی که شبیه به دمل بود خارج شد. خوب می‌شد و دوباره برمی‌گشت؛ و

مدت زیادی به این شکل بود. پس، به اصفهان مسافرت کردم و به بغداد برگشتم، درحالی که بازویم به همین صورت بود. سپس به سوی قبر احمد بن محمد بن حنبل رفتم و با آن بازو قبر احمد را مسح کردم و سپس بازویم از دمل خوب شد و دیگر برنگشت (حجاوی مقدسی، بی تا: ۲۱۳).

نتیجه

در این مقاله، بررسی تطبیقی میان روش اهل حدیث و وهابیت در مسئله تکفیر مسلمانان انجام شد. مشخص شد که وهابیت با نادیده گرفتن ضوابط تکفیر و اشتباه در معنای عبادت، اعمالی را به عنوان نواقض اسلام معرفی کرده و وضعیت شخص را در تحقق کفر در نظر نگرفته‌اند، درحالی که اعتقاد شخص تنها از طریق نیت قابل شناسایی است. اهل حدیث نیت را محوری می‌دانند و در برخورد با نواقض، به دنبال توسعه مصادیق نیستند و از حکم به کفر در موارد عدم وجود اعتقادات صریح پرهیز می‌کنند. برخلاف وهابیت که با تعاریف نادرست، بسیاری از مسلمانان را به راحتی از دایره اسلام خارج می‌سازند، اهل حدیث معتقدند تحقق نواقض باید واضح و از مسائل اتفاقی باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن ابی یعلی، محمد (۱۴۲۳ ق). *الاعتقاد*. بی جا: دار اطلس الخضراء.
- ابن ابی یعلی، محمد (بی تا). *طبقات الحنابلة*. تحقیق محمد حامد الفقی. بیروت: دار المعرفة، مکتبه الشامله میبدی.
- ابن تیمیه، احمد (بی تا). *الصرم المسلمون علی شاتم الرسول*. عربستان: الحرس الوطني السعودي.
- ابن تیمیه، احمد (۱۴۱۹ ق). *اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم*. تحقیق ناصر عبدالکریم العقل. بیروت: دار عالم الکتب.
- ابن تیمیه، احمد (۱۴۲۳ ق). *الرد علی الأخنائی قاضی المالکیه*. تحقیق الدانی بن منیر آل زهوی. بیروت: المکتبه العصریه.
- ابن تیمیه، احمد (۱۴۲۶ ق). *الاستغاثة فی الرد علی البکری*. ریاض: مکتبه دار المنهاج.
- ابن جوزی (۱۴۰۶ ق). *التبصره*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حزم (۱۴۰۵ ق). *الفصل فی الملل و النحل*. بیروت: دار الجیل.

- ابن عبدالوهاب نجدی، محمد (بی تا). **نواقض الاسلام**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عبدالوهاب، محمد (بی تا). **مجموعه رسائل فی التوحید و الایمان**. ریاض: جامعه محمد بن سعود.
- ابن عثیمین، محمد (۱۴۲۴ ق ب). **فتاوی اركان الإسلام**. ریاض: دار الثریا.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۸ ق). **البدایة و النهایة**. بیروت: دار الهجر.
- ابن مفلح، ابراهیم بن محمد بن عبدالله (۱۴۱۸ ق). **المبدع فی شرح المقنع**. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ق). **لسان العرب**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن باز، عبدالعزیز بن عبدالله (۱۴۱۲ ق). **فتاوی نور علی الدرب**. ریاض: دار الوطن.
- ابن باز، عبدالعزیز (۱۴۲۱ ق). **مجموع فتاوی و مقالات متنوعة**. ریاض: دار القاسم.
- ابن عبدالوهاب نجدی، محمد (۱۴۰۶ ق). **مجموعه رسائل فی التوحید و الایمان**. ریاض: جامعه محمد بن سعود.
- ابن عبدالوهاب نجدی، محمد (۱۴۱۸ ق). **كشف الشبهات**. عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية.
- ابن عبدالوهاب نجدی، محمد (۱۴۲۰ ق). **کبائر**. عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية.
- ابن عبدالوهاب نجدی، محمد (بی تا). **أصول الدين الإسلامی مع قواعده الأربع**. مکه: دار الحديث الخیریة.
- ابن عبدالوهاب نجدی، محمد (بی تا). **الرسائل الشخصية**. ریاض: جامعه محمد بن سعود.
- ابن قدامه مقدسی، عبدالله (۱۴۱۴ ق). **الکافی فی فقه الإمام أحمد**. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن قدامه مقدسی، عبدالله (۱۳۸۸ ق). **المغنی لابن قدامة**. بیروت: مكتبة القاهرة.
- ابوزهره، محمد (۱۴۱۸ ق). **ابن الحنبل: حياته و عصره**. قاهره: دار الفكر.
- اثری، عبدالله بن عبدالحمید (۱۴۲۴ ق). **الایمان: حقیقته، خوارمه، نواقضه**. ریاض: مدار الوطن للنشر.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۲۱ ق). **المسند**. بیروت: مؤسسة الرساله.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۰۸ ق). **العلل و معرفة الرجال**. بیروت: الدار السلفية.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). **تهذیب اللغة**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آل جارالله، عبدالله (بی تا). **الجامع الفريد للاستلثة و الاجوبة علی کتاب التوحید**. بی نا: مكتبة الشاملة میبدی.
- آل نعمان، شادی بن محمد بن سالم (۱۴۳۱ ق). **موسوعة الألبانی فی العقیده**. صنعاء: مركز النعمان للبحوث و الدراسات الإسلامية.

- آل نعمان، شادی بن محمد بن سالم (١٤٣٢ ق). **جامع تراث العلامة الألبانی فی المنهج و الأحداث الكبرى**. صنعاء: مرکز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية.
- آل نعمان، شادی بن محمد بن سالم (٢٠١٥ م). **جامع تراث العلامة الألبانی فی الفقه**. صنعاء: مرکز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية.
- البانی، محمد ناصرالدین (بی تا). تفریغ «أشرطة متفرقة».
- امین، محسن (١٣٨٦). **كشف الإرتیاب**. قم: دار الكتب الاسلامی.
- بجیرمی، علی (١٤٢٧ ق). **شرح الخطیب**. بیروت: دار الفکر.
- بر بهاری، حسن بن علی (بی تا). **شرح السنه**. الدمام: دار ابن قیم.
- بغوی، حسین بن مسعود (١٤٢٠ ق). **معالم التنزیل فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن باز، عبدالعزیز (١٤١٨ ق). **شرح ثلاثة الأصول**. تحقیق علی بن صالح بن عبدالهادی المری، ریاض: دار المسیر.
- ابن باز، عبدالعزیز (١٤٢٣ ق). **تحفة الإخوان بأجوبة مهمة تتعلق بأركان الإسلام**. عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية.
- ابن باز، عبدالعزیز (١٤٣٢ ق). **سبل السلام شرح نواقض الإسلام**. بی جا: بی نا.
- ابن باز، عبدالعزیز (بی تا الف). **مجموع فتاوی ابن باز**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن باز، عبدالعزیز (بی تا ب). **مجلة جامعه اسلامی مدینه المنورة**. بیروت: المكتبة الشاملة میبدی.
- ابن جبرین، عبدالله (بی تا الف). **شرح أصول السنة للإمام أحمد**. بی نا: المكتبة الشاملة.
- ابن جبرین، عبدالله (بی تا ب). **شرح العقيدة الطحاوية**. بی نا: المكتبة الشاملة.
- ابن عثیمین، محمد بن صالح (١٤٢١ ق). **لقاء الباب المفتوح**. دروس صوتیة، المكتبة الشاملة.
- ابن عثیمین، محمد بن صالح (١٤٢٤ ق الف). **شرح ثلاثة الأصول**. ریاض: دار الثریا.
- ابن عثیمین، محمد بن صالح (١٤٣٤ ق). **فتاوی نور علی الدرب**. ریاض: مؤسسة الشیخ محمد بن صالح العثیمین.
- بهوتی (١٤١٨ ق). **كشف القناع عن متن الاقناع**. بیروت: دار الكتب العلمیه.
- ترکی، عبدالله بن عبدالمحسن (١٤١٧ ق). **مجله اعتقاد ائمة السلف اهل الحدیث**. عربستان: وزارة الشؤون الاسلامیه.
- ثعلبی، ابو محمد (١٤٢٢ ق). **الكشف و البیان عن تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- جزیری، عبدالرحمان (۱۴۰۶ ق). **الفقه على مذاهب الاربعة**. بیروت: دار الفكر.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۹۹). **الصحيح: تاج اللغة و صحاح العربية**. بیروت: دار العلم.
- حجاوی مقدسی، موسی (بی تا). **الإقناع في فقه الإمام أحمد بن حنبل**. بیروت: دار المعرفة.
- خلیل، (بی تا). **شرح زاد المستقنع للخليل**. بیروت: المكتبة الشاملة میبدی.
- دویش، احمد بن عبدالرزاق (بی تا). **فتاوی اللجنة الدائمة**. ریاض: رئاسة إدارة البحوث العلمية.
- راغب اصفهانی، حسین (۲۰۰۸ م). **مفردات الفاظ القرآن**. بیروت: نشر دار الهدی.
- ربانی گلیایگانی، علی (۱۳۸۲). **درآمدی بر علم کلام**. قم: دار الفكر.
- رهیانی (بی تا). **مطالب اولی النهی**. بی جا: المکتب الاسلامی.
- سبحانی، جعفر (بی تا). **بحوث في الملل و النحل**. قم: الشریف الرضی.
- سمعانی، ابو مظفر (۱۴۱۷ ق). **الانتصار لاصحاب الحديث**. مدینه: مكتبة اضواء المنار.
- شرتونی، سعید الخوری (۱۳۷۴). **اقرب الموارد**. قم: دار الاسرة.
- شعرانی، عبدالوهاب (۱۴۱۹ ق). **اليواقیت و الجواهر**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- شنقیطی، ابی منذر (بی تا). **الانتصار للسجناء الأبرار في فتنة الحوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شنقیطی، محمد (بی تا). **شرح زاد المستقنع**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- شهرستانی، عبدالکریم بن ابی بکر (۱۹۹۵ م). **الملل و النحل**. بیروت: دار المعرفه.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۲۰ ق). **جامع البیان فی تأویل القرآن**. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- علیان، حمدو (۲۰۱۷ م). **السادة الحنابلة و اختلافهم مع السلفية المعاصرة**. اردن: دار النور.
- غامدی (بی تا). **تحفة الإخوان بأجوبة مهمة تتعلق بأركان الإسلام**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- غامدی (۱۴۳۶ ق). **شرح نواقض الاسلام**. بیروت: کتابخانه الملک فهد الوطنية.
- غامدی، عادل (۱۴۳۷ ق). **الجامع في عقاید و رسائل أهل السنة و الأثر**. ریاض: دار المنهج الأول.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹ ق). **كتاب العين**. قم: هجرت.
- فوزان، صالح (۱۴۲۳ ق). **كتاب التوحيد**. عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية.
- فوزان، صالح (۱۴۲۴ ق). **مجموع فتاوی الشيخ صالح فوزان**. ریاض: دار ابن خزیمه.
- فوزان، صالح (۱۴۲۷ ق الف). **إعانة المستفيد بشرح كتاب التوحيد**. ریاض: مؤسسة الرسالة.
- فوزان، صالح (۱۴۲۷ ق ب). **شرح الأصول الثلاثة**. ریاض: مؤسسة الرسالة.

- فوزان، صالح (بی تا). *عقیده التوحید و بیان ما یضادها من الشریک الأكبر و الأصغر*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیروزآبادی، مجدالدین (۱۴۱۲ ق). *القاموس المحیط*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیومی، احمد (۱۴۱۴ ق). *مصباح المنیر*. قم: دار الهجره.
- قاضی زاده، حسین و نجم الدین طبسی (۱۳۹۵). بررسی عوامل توسعه نواقض الاسلام در تفکر مفتیان وهابی، با تأکید بر هیئت افتای عربستان. *سلفی پژوهی*. ۲ (۱): ۶۸ - ۴۵.
- قرطبی، محمد (۱۳۸۴). *الجامع لاحکام القرآن*. بیروت: دار الکتب المصریه.
- کرمی حنبلی (۱۴۲۸ ق). *غایة المنتهی فی جمع الإقناع و المنتهی*. کویت: مؤسسه غراس.
- مختار، صلاح الدین (بی تا). *تاریخ المملكة العربیة السعودیة*. بیروت: دار المكتبة الحیة.
- مرادی مکی، مجتبی و محمد معینی فر (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی دیدگاه اشاعره و سلفیه در خصوص معنا و ماهیت ایمان و کفر. *دوفصلنامه اسلام و ارتباطات میان فرهنگی*. ۲ (۱): ۷۶ - ۶۳.
- مروج، حسین (۱۳۷۹). *اصطلاحات فقهی*. قم: بی نا.